



چندی پیش بود که «عطاءالله رفیعی آتانی»، دبیر علمی سومین کنگره علوم انسانی اسلامی در حضور اصحاب رسانه از برگزارِ سومین کنگره علوم انسانی اسلامی در روزهای ۹ تا ۱۲ آبان‌ماه خبرداد. کنگره‌ای که در نتیجه ۲ دوره قبلی تجارب ارزشمندی را در فرآیند تلاش برای دستیابی به تعریفی مناسب از علوم انسانی اسلامی به دست داده است و اینک در آستانه بر گزارِی سومین دوره، جمع فراوانی از اساتید، دانشمندان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه را برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده، گرد هم آورده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در عرصه نظر، پس از شکل‌گیری اساسن نظام جمهوری اسلامی موضوعی مهم‌تر و چالش‌برانگیزتر از تولید دانش مبتنی، منبعث و سازگار با اسلام در پیش‌روی مومنان به اسلام نبوده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در عرصه نظر، پس از شکل‌گیری اساسن نظام جمهوری اسلامی موضوعی مهم‌تر و چالش‌برانگیزتر از تولید دانش مبتنی، منبعث و سازگار با اسلام در پیش‌روی مومنان به اسلام نبوده است.

در روزهای آغازین پیروزی انقلاب اسلامی بسیاری بر این باور بودند که با وجود قرآن کریم حتی به قانون اساسی نیاز نداریم و در گام‌های بعدی همین موقعیت را برای رساله‌های عملیه قائل بودند، از سوی دیگر بسیاری – که خود به دسته‌های گوناگون تقسیم می‌شدند – بر آن بودند که علوم انسانی تجربه‌شده در غرب برای سیاست‌گذاری و مدیریت کشور کفایت می‌کند. در چالش بین این ۲ دیدگاه نظام اسلامی در عمل راه دیگری را برگزید. نظام اسلامی هر ۲ رویکرد را در عرصه عمل به چالشی عظیم واداشت و دیری نپایید که باورمندان به ایده نخست در معرکه تفصیل عرصه‌های تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری چاره‌ای جز عبور از جمود بر دیدگاه خوش نیافتند و البته برخی از طرفداران ایده دوم نیز در مسیری که نظام اسلامی گشود همراه شدند. نظام اسلامی با اتکا بر مبانی و معارف گرانسنگ اسلامی راه نظریه‌پردازی و نوآوری در علوم انسانی را گشود. این رویکرد نظام، در عرصه نهادسازی به تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، دانشگاه امام صادق(ع)، موسسه آموزشی – پژوهشی امام خمینی(ره)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و مراکز آموزشی و پژوهشی متعدد دیگر منتهی شد. ایده‌ها و آرمان‌هایی نظیر انقلاب فرهنگی اسلامی‌سازی علوم، علم دینی، جنبش نرم‌افزاری و… طرف‌های نظری مناسبی بودند که زمینه و بستری لازم فرهنگی و سیاسی را برای خلق نهادها، افکار و اشخاص جدید فراهم آوردند، اما سوال‌های فراوانی درباره تحقق اهداف پیش‌بینی‌شده برای این نهادها وجود دارد. بسیاری نیز با تردید به نتایج فعالیت این نهادها می‌نگرند.

با همه اینها، برگزار کنندگان کنگره علوم انسانی اسلامی معتقد بودند که نباید ایستاد. چنانکه در بیانیه کنگره اول آمده است: از استناد و توقف موضوعات و بحث‌ها روی مساله ضرورت و امکان تحول علوم انسانی موجود باید پرهیز کرد و تمرکز را باید بر مساله چگونگی تحول و مولفه‌های کلیدی آن قرار داد. نخستین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی با مشارکت ۳۷ مرکز علمی و جمع وسیعی از محققان علوم انسانی کشور برگزار شد و جمعیت پرشمار نخبگان و برجستگان فکری و علمی از آن استقبال کردند. برگزار کنندگان کنگره سپس اعلام کردند، برای ایفای نقش فعال در به سرانجام رساندن فرآیند تحول در علوم انسانی دبیرخانه دائمی کنگره را ایجاد خواهند کرد.

■ **معیار اسلامی بودن دانش چیست؟**

حالا و در آستانه برگزاری سومین کنگره علوم انسانی اسلامی، جای این سوال باقی است که این کنگره و برگزار کنندگان آن در دوره‌های قبلی به چه معیارهایی برای تعریف علوم انسانی اسلامی دست یافته‌اند. در بخشی از گزارش کنگره اول در تعریف «معیار اسلامی بودن دانش» به ۷ روش برای دستیابی به شناخت اسلامی اشاره شده است.

برای اسلامی بودن هر دانش، معیار منبع شناسایی و ۹ عامل یا موضوع شناسایی کفایت می‌کند. بنابراین اگر هر شناخت روشمندی پیرامون

بساب نوآوری‌های جدید و اصلاح و ترمیم نهادها و مراکز علمی، طرح مسائل جدید، ارزیابی انتقادی وضعیت گذشته و حال، پیوند بیسن مراکز نیازمند به علوم انسانی و مراکز تولید آن و نقد علوم انسانی متعارف و پایه‌گذاری فلسفه اسلامی علوم انسانی بر عهده دارد. بنا بر آنچه بیان شد، امروزه ایجاد زمینه مساعد برای معرفی دقیق رویکرد متعادل، و نیز هم‌افزایی اندیشمندان مسلمان ایرانی و خارجی چه در نقد علوم انسانی غربی و چه در هموار کردن راه پیشرفت نظریه‌پردازی در علوم انسانی اسلامی یک ضرورت است و برگزاری کنگره‌های علمی جدی و غیرتشریفاتی با اهداف زیر می‌تواند برای این منظور یک گام مهم و ارزشمند به حساب آید:

۱- ارزیابی وضعیت جاری آموزش و پژوهش در قلمرو علوم انسانی اسلامی

۲- جمع‌بندی ادبیات علمی موجود در قلمرو علوم انسانی اسلامی

۳- برداشتن یک گام جدید و جدی در روند رو به پیشرفت علوم انسانی اسلامی

۴- جریان‌سازی علمی و فرهنگی برای ترقی فضای گفتمانی پیرامون علوم انسانی اسلامی

۵- برقرری تعامل فراملی و بین‌المللی و استفاده متقابل از تجارب گوناگون با هدف پیشرفت علمی در قلمرو علوم انسانی اسلامی.

■ **تشکیل کمیسیون‌های تخصصی**

در اولین دوره برگزارِی کنگره علوم انسانی اسلامی، کمیته علمی کنگره ابتدا در قالب ۱۰ کمیسیون تخصصی هر یک با مدیریت یکی از مراکز علمی معتبر شروع به کار کرد اما امروز عملاً کمیسیون به شرح زیر تشکیل شده است:

۱- کمیسیون فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی، با مدیریت مرکز پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی صدا و با همکاری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

۲- کمیسیون نقد علوم انسانی متداول، با مدیریت موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه

۳- کمیسیون نظریه‌های ممتاز در علوم انسانی اسلامی، با مدیریت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه

اسلامی

۴- کمیسیون رویکردهای رایج در علوم انسانی اسلامی در جهان اسلام، با مدیریت دانشگاه بین‌المللی المصطفی(ص)

۵- کمیسیون کاربردی‌سازی علوم انسانی اسلامی، با مدیریت دانشگاه عالی دفاع ملی

۶- کمیسیون طبقه‌بندی علوم، با مدیریت بنیاد پژوهش‌های اسلامی استان قدس رضوی

کمیسیون دیگری نیز با عنوان «پیوندهای علوم انسانی و طبیعی با رویکرد اسلامی» با محوریت و مدیریت دانشگاه صنعتی شریف، طراحی شد اما به خاطر پیگیری دیرهمگام ما برای این کمیسیون، نتیجه نداد و بنا شد که برای کنگره‌های بعدی فعال شود.

■ **جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی**

در جلسات شورای سیاست‌گذاری مقرر شد «جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی» هر ساله به برترین نظریه

و نوآوری علمی از میان جدیدترین نظریات ارائه شده در جهان در قلمرو علوم انسانی اسلامی اعطا شود. پس از برگزاری کنگره دوم علوم انسانی اسلامی در آبان ۹۲، براساس نظر کمیته اعطای جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی، آیت‌الله «علیرضا اعرافی» به‌خاطر تلاش علمی طولانی و پرثمر در عرصه تعلیم و تربیت اسلامی در چارچوب هر یک از رشته‌های علمی تمام محدودیت‌ها و ظرفیت‌های گذشته علمی را در اختیار نظریه‌پردازان جدید قرار می‌دهد. نظریه‌پردازان اگر یافته‌های گذشته را در اختیار نداشته باشند قطعاً به کارهای تکراری و البته مهم‌تر از آن غیرمرتبط یا گذشته خواهند پرداخت.

گام ششم؛ بین مراکز سیاستگذار و برنامه‌ریز کشور و متن مردم که علی‌القاعده نیازمندان به علوم انسانی اسلامی هستند و مراکز تولید دانش‌های اسلامی باید آمیختگی شدیدی به‌وجود آید. به نظر می‌رسد رویکردی مشابه آن در عرصه‌های علوم انسانی اسلامی نیز ضرورت داشته باشد. هم‌اکنون «علم رفناع» یک انگشت اتهام اساسی است که به سوی علوم انسانی اسلامی نشانه می‌رود.

در هفتمین گام؛ ایجاد مراکز تخصصی نظریه‌پردازی در کنار مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی جامع یک ضرورت انکارناپذیر است.

دانشگاه و پژوهشگاه جامع دارای منافع فراوانی از جمله ایجاد زمینه ارتباطات بین‌رشته‌ای است اما واقعیت آن است که ایجاد یک خلوت و عزت علمی برای موضوعات و رشته‌های خاص علمی برای علوم انسانی اسلامی – نظیر «رویان» برای سلول‌های بنیادی – فرصت‌های زیادی را برای نوآوری‌های اثرگذار فراهم خواهد آورد. پیداست که این همه از جنس مقدمه محسوب می‌شوند تا مراکز علمی و پژوهشگران کار اصلی را انجام دهند.

■ **جریان‌سازی فکری و فرهنگی**

کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی در این عرصه، مسؤولیت جریان‌سازی فکری و فرهنگی را بسا جمع‌بندی تلاش‌های علمی گذشته، فتح

نگاهی به ۲ کنگره پیشین علوم انسانی اسلامی

نباید ایستاد

در روزهای ۲۶، ۲۷ و ۲۸ آبان‌ماه ۱۳۹۲ برگزار شد.

کنگره دوم مبتنی بر سیاست‌های تدوین‌شده قبلی و نیز با توجه به تجربه کنگره اول، تحقق اهداف زیر را مد نظر قرار داد: جریان‌سازی علمی به‌منظور ایجاد ظرفیت‌های جدید و برانگیزاندن ظرفیت‌های موجود علمی کشور برای تولید علوم انسانی اسلامی، ایجاد فرصت لازم برای تضارب و تعارف آرا در این حوزه، ارائه نوآوری‌های علمی انباشته‌شده در مراکز علمی در یک نمایشگاه عظیم علمی به‌صورت یکجا و در یک‌زمان محدود، ایجاد فرصت مناسب برای ارزیابی انتقادی و صادقانه گذشته علوم انسانی اسلامی و در نهایت ارائه اطلاعات لازم به نهادهای سیاستگذار و برنامه‌ریز برای بهره‌برداری از یافته‌ها در مسؤولیتی که بر عهده دارند.

تجربه اولین کنگره بر گزار کنندگان را نسبت به ورود به رشته‌های تخصصی علوم انسانی مرسوم و برداشتن گام جدی‌تر و عملیاتی‌تری برای ایجاد تحول در علوم انسانی امیدوار کرد. با همین رویکرد وظایف کنگره در قالب ۱۰ کمیسیون تخصصی با محوریت مراکز علمی و دانشگاهی به شرح زیر تفکیک شد:

۱- فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی

۲- مدیریت تحول علوم انسانی

۳- روانشناسی اسلامی

۴- تعلیم و تربیت اسلامی

۵- ارتباطات و جامعه‌شناسی اسلامی

۶- اقتصاد اسلامی

۷- مدیریت اسلامی

۸- علوم سیاسی اسلامی

۹- فقه و حقوق اسلامی

۱۰- هنر و معماری اسلامی

براساس آنچه در دومین کنگره علوم انسانی اسلامی اتفاق افتاد، مسؤولیت کمیسیون‌ها شامل تشکیل کمیته علمی تخصصی، جلب نظر پژوهشگران برای تدوین مقاله، ارزیابی مقالات، برگزاری نشست‌های علمی و در نهایت اداره کمیسیون در روز کنگره بود.

پس از این مرحله و در ارزیابی، فرآیند زیر طی شد.

• دریافت مقاله توسط دبیرخانه

• بررسی اولیه مقاله توسط دبیرخانه (اطمینان از اصالت علمی و عدم سرقت)

• ارسال مقاله به کمیسیون‌ها و ارزیابی مقاله توسط حداقل ۲ نفر از اساتدان متخصص در آن حوزه

• اعلام نتیجه داوری‌ها به دبیرخانه

• درخواست اصلاحات از نویسندگان مقالات رد نشده توسط دبیرخانه

• ارسال مقاله اصلاح‌شده به کمیسیون مربوطه

• تصمیم‌گیری رئیس کمیسیون درباره تأیید یا رد نهایی مقاله

• اعلام نظر نهایی به نویسنده مقاله

• شناسایی ارزیابی مقالات که فرایند ارزیابی را برای دوره‌های بعدی، مهم و تاثیرگذار می‌کرد، با توجه به درجه علمی و پژوهشی مقالات به ترتیب زیر بود:

- تناسب موضوع و تبیین هدف و پرسش‌های تحقیق
- کیفیت طرح مساله و ارائه تعریف علمی از مفاهیم و اصطلاحات
- تحلیل درست آرا، اندیشه‌ها و نقد آنها
- تناسب ساختار، انسجام منطقی و سازمان‌دهی مناسب‌مقاله



دانشی که به زبان عمومی

تبدیل نشود، دانش نیست

تولید علم بدون پژوهش معنا ندارد و تا این حد از بحث امری بدیهی است که پژوهش جایگاهی بنیادی را در مسیر تولید علوم انسانی اسلامی دارد اما آنچه لازم است در بحث تولید علم مدنظر قرار دهیم مساله‌ای است که شاید بتوانیم آن را «مدیریت عرصه پژوهش» نام بگذاریم. به طور سیستماتیک در برنامه دانشگاهی ما، افراد پژوهشگر بار نمی‌آیند و سیستم آموزش ما در نهایت بر پایه اهداف شناختی آن هم بسا روش‌های غیرتعلیمی و حفظی شکل گرفته است. موضوع مهارت‌های پژوهشی و البته مباحث مربوط به نوآوری معمولاً در نوجوانان و جوانان از دوران تحصیل در مدرسه و پس از آن در دانشگاه‌ها شکل نمی‌گیرد. این مساله اهمیت دارد که پژوهشگرانی را تربیت کنیم که در حوزه علوم انسانی اسلامی مهارت‌های لازم را داشته باشند، حال یکی از این مهارت‌ها چیزی است که از آن به عنوان روش‌های تلفیقی یاد می‌کنیم؛ روش‌شناسی مطالعات تلفیقی و تحلیل‌های تلفیقی اعم از میان رشته‌ای، بین رشته‌ای و فرارشته‌ای که به طور سیستماتیک بین حوزه و دانشگاه به نحو قابل قبول و مطلوبی دیده نمی‌شود. مهارت‌ها و قابلیت‌های یک پژوهشگر حوزه علوم انسانی اسلامی نه در برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها دیده می‌شود و نه در برنامه‌های غیردرسی.

آنچنان که باید به دنبال تربیت پژوهشگران برای عرصه تولید علم نیستیم، البته این مورد تنها یک بخش مساله است، که می‌توانیم اسمش را مدیریت پژوهش بگذاریم که در این بخش سرمایه‌گذاری و حمایت‌های لازم وجود ندارد. به تعبیر اقتصادی جانب‌عرضه گاهی نیازمند حمایت و پشتیبانی از تقاضاست. اگر دانشگاهی متخصص توانمند تولید علم انسانی اسلامی را تربیت کند که این متخصص مجهز به انواع روش‌های تلفیقی، مباحث معرفت‌شناختی، مباحث قواعد فقهی و… باشد باز معلوم نیست که بازار کار، پژوهشگری اینچنینی با این قابلیت‌ها را خریدار باشد و این مساله به این موضوع بازمی‌گردد که در عمل پشتیبانی از این پژوهشگران نمی‌شود. موضوع بعدی در مدیریت عرصه پژوهش، مربوط به خدمات پژوهشی است، این مهم به یک معنا به مفهوم ارتباط و پشتیبانی خدمات پژوهشی است، در این باب از کتابخانه‌های تخصصی، پایگاه‌های اطلاعاتی آنلاین و آفلاین، انواع پرتال‌های تأمین اطلاعات و داده صحبت می‌شود که ما در این زمینه ضعیف عمل کرده‌ایم و گاهی حتی کتاب‌های اولی در دسترس محقق نیست. برای مثال در عرصه اقتصاد اسلامی یک کتاب بیشتر نداریم، کتابی که رویکرد شیعی در حوزه اقتصاد را بیان کرده باشد و آن کتاب «اقتصادنا» شهید صدر است. این اثر ۲ ترجمه داشت یکی از این ترجمه‌ها مربوط به قبل از انقلاب بود و ترجمه‌های بسیار پرغلط بوده، از سوی دیگر شهید صدر در حوزه اقتصاد اسلامی بخش‌ها و بحث‌های دیگری داشت که ترجمه نشده بود و حدود یک سال قبل با مجاهدت و پیگیری عده‌ای محقق این اتفاق افتاد و سعی شد این مظلومیت در ارائه ترجمه این اثر از شهید صدر زوده شود. بسیاری از تولیدات علوم انسانی اسلامی فرصت ارائه، آزمون و خطا پیدا نمی‌کنند و این موارد از جمله مواردی است که من نام آن را خدمات پژوهشی می‌گذارم، مساله‌ای که نسبت به آن بی‌توجه بوده و کم کاری داشته‌ایم. دانشی که به زبان عمومی

تبدیل نشود، دانش نیست. ممکن است محقق تئوری‌های بسیار درست و صحیح، مملو از صدق تولید کند اما اگر این تولید به زبان و گفتمان تخصصی مردم نرسد و اشاعه نیابد در این صورت علم نیست و این مساله درباره همه علوم صدق می‌کند. ما می‌بینیم که بسیاری از تئوری‌ها در مقالات مانداند و اشاعه نیافتند. آنچه که تبدیل به زبان عمومی می‌شود علم است، یک علم در متن و زمینه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خودش هویت می‌یابد. بدون رسانه علم معنا ندارد و متأسفانه ما در علوم انسانی اسلامی چه اقتصاد اسلامی و چه سایر رشته‌ها شاهدیم که هرگز رسانه به این معنا وجود نداشته است. برای مثال بسیاری از تئوری‌های غربی، یافته‌ها و اطلاعات تازه چه در رشته‌های فنی – مهندسی و چه در سایر رشته‌ها در قالب خبر در صدا و سیما پیش می‌شود و مثلاً اخبار علمی – فرهنگی اعلام می‌کند که محققان دانشگاه آکسفورد درباره یک موضوع این یافته‌ها را داشته‌اند اما هیچ وقت از یافته‌های علوم انسانی اسلامی در سطح حوزه و دانشگاه در قالب این اخبار صحبت نشده است. ما در سایر قالب‌های رسانه‌ای نیز شاهد چنین چیزی نیستیم.

دکتر عادل پیغامی، عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق(ع) در گفت‌وگو با طلایع